

### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۳۹

- ۹۲ - و هرگز سزاوار نیست که او فرزندی برگزیند.
- ۹۳ - تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند بنده اویند.
- ۹۴ - همه آنها را احصا کرده و دقیقا شمرده است.
- ۹۵ - و همگی روز رستاخیز تک و تنها نزد او حاضر میشوند.

تفسیر:

#### خدا و فرزند داشتن؟!!!

از آنجا که در آیات پیشین سخن از شرک و پایان کار مشرکان بود، در پایان بحث به یکی از شاخه‌های شرک یعنی اعتقاد به وجود فرزند برای خدا اشاره کرده و زشتی این سخن را با قاطعترین بیان بازگویی کند:

«آنها گفتند خداوند رحمان فرزندی برای خود انتخاب کرده»!! (وقالوا اتخذ الرحمن ولدا).

نه تنها مسیحیان عقیده داشتند حضرت «مسیح»، فرزند حقیقی خدا است که یهودیان نیز درباره عزیر و بتپرستان درباره «فرشتگان» چنین اعتقادی داشتند و آنها را دختران خدای پنداشتند.

آنگاه با لحنی کوبنده می‌گوید: «چه سخن زشت و بزرگی آوردید» (لقد جئتم شیئا ادا).

«اد» (بر وزن ضد) در اصل به معنی صدای زشت و ناهنجاری است که بر اثر گردش شدید امواج صوتی در گلوی شتر به گوش میرسد، سپس به کارهای بسیار زشت و وحشتناک اطلاق شده است.

از آنجا که چنین نسبت ناروایی مخالف اصل توحید است، چرا که خداوند

### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۴۰

نه شبیه و مانندی دارد، و نه نیاز به فرزند، و نه عوارض جسم و جسمانیت، گوئی تمام عالم هستی که بر پایه توحید بنا شده است از این نسبت ناروا در وحشت و اضطراب فرو می‌روند.

لذا در آیه بعد اضافه می‌کند «نزدیک است آسمانها به خاطر این سخن از هم

متلاشی گردد و زمین شکافته شود و کوهها به شدت فرو ریزد!)» (تکاد السماوات یتفطرن منه و تنشق الارض و تخر الجبال هدا). باز برای تاکید و بیان اهمیت موضوع می گوید: «(به خاطر اینکه برای خداوند رحمان فرزندی ادعا کردند)» (ان دعوا للرحمن ولدا). اینها در حقیقت خدا را به هیچوجه نشناخته اند و گر نه می دانستند «هرگز برای خداوند رحمان، سزاوار نیست که فرزندی برگزیند» (وما ینبغی للرحمن ان یتخذ ولدا). انسان فرزند را برای یکی از چند چیز میخواهد: یا به خاطر این است که عمر او پایان میپذیرد، برای بقاء نسل خود نیاز به تولید مثل دارد. یا کمک و یار و یآوری میطلبد، چرا که نیرویش محدود است. یا از تنهایی وحشت دارد، مونسی برای تنهایی میجوید. یا به هنگام پیری و ناتوانی، یار و کمک کاری جوان میخواهد. اما هیچیک از این مفاهیم درباره خدا معنی ندارد، نه قدرتش محدود است، نه حیات او پایان میگیرد، نه ضعف و سستی در وجود او راه دارد و نه احساس تنهایی و نه نیاز. از این گذشته داشتن فرزند، نشانه جسم بودن و همسر داشتن است و همه

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۴۱

این معانی از ذات پاک او دور است. به همین دلیل در آیه بعد می گوید: «تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند بنده اویند و سر بر فرمانش» (ان کل من فی السماوات والارض الا آتی الرحمن عبدا). و با اینکه همه بندگان جان و دل بر کف او هستند، نیازی به اطاعت و فرمانبرداری آنها ندارد بلکه آنها هستند که نیازمندند. «او همه آنها را شماره کرده است و دقیقاً تعداد آنها را می داند» (لقد احصاهم و عداهم عدا). یعنی هرگز تصور نکنید که با وجود این همه بندگان چگونه ممکن است حساب آنها را داشته باشد، علم او بقدری وسیع و گسترده است که نه تنها شماره آنها را دارد بلکه از تمام خصوصیات آنها آگاه است، نه از حوزه حکومت او میتوانند بگیرزند و نه چیزی از اعمالشان بر او مکتوم است.

و همه آنها روز رستاخیز تک و تنها در محضر او حاضر میشوند» (و کلهم آتیه يوم القيامة فردا).

بنابراین هم مسیح، هم عزیر، هم فرشتگان و هم تمامی انسانها مشمول این حکم عمومی او هستند با این حال چه نازیبا است که فرزندی برای او قائل شویم، و چه اندازه ذات پاک او را از اوج عظمت به پائین می آوریم و صفات جلال و جمال او را انکار میکنیم اگر نسبت فرزندی به او بدهیم.

---

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۴۲

### نکته ها:

#### ۱ - هنوز هم او را فرزند خدا میپندارند!

آنچه در آیات فوق خواندیم با قاطعترین کلمات، فرزند را از خدا نفی می کند، این آیاتی است مربوط به چهارده قرن قبل، در حالی که امروز و در دنیای علم و دانش هنوز بسیاری کسانى که مسیح ( علیه السلام ) را فرزند خدا میپندارند، نه فرزند مجازی که فرزند حقیقی! و اگر در پاره ای از نوشته ها که جنبه تبلیغی دارد و مخصوص محیطهای اسلامی تنظیم شده، این فرزند را فرزند تشریفاتی و مجازی معرفی میکنند به هیچوجه با متون اصلی کتب اعتقادی آنها سازگار نیست. این امر منحصر به فرزند بودن مسیح ( علیه السلام ) نیست، در ارتباط با مساله تثلیث که مسلما به معنی خدایان سه گانه است و جزء اعتقادات حتمی آنها است چون مسلمانان از شنیدن چنین سخن شرک آمیزی وحشت میکنند، لحن خود را در محیطهای اسلامی تغییر داده و به نوعی از تشبیه و مجاز آن را توجیه میکنند. (برای توضیح بیشتر به قاموس کتاب مقدس در مورد «مسیح» و «اقایم سه گانه» مراجعه فرمائید).

#### ۲ - چگونه آسمانها متلاشی می شود؟

اینکه در آیات فوق خواندیم: «نزدیک است آسمانها از این نسبت ناروا متلاشی شوند، و زمینها از هم بشکافند و کوهها فرو ریزند» یا اشاره به این است که بر اساس تعبیرات قرآن مجید مجموعه عالم هستی دارای یکنوع حیات و درک و شعور است، و آیاتی همچون آیه ۷۴ سوره بقره و ان منها لما یهبط من خشية الله: «بعضی از سنگها از ترس خدا از کوهها فرو می غلطند» و آیه ۲۱ سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرائته خاشعا متصدعا من خشية الله: اگر این قرآن را بر کوهها نازل میکردیم از ترس خدا خاشع میشدند و از

هم شکافته» شاهد بر آن میباشد.  
این نسبت ناروا به ساحت قدس پروردگار همه جهان را در وحشت عمیق فرو می برد.  
یا کنایه از زشتی فوق العاده آنست و نظیر این کنایه در زبان عرب و زبان فارسی کم نیست که میگوئیم کاری کردی که گوئی آسمان و زمین را بر سر من کوبیدند.  
به خواست خدا در این زمینه ذیل آیات مناسب باز هم بحث خواهیم کرد.

آیه ۹۶ - ۹۸

آیه و ترجمه

۹۶ ان الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سیجعل لهم الرحمن ودا  
۹۷ فانما یسرناه بلسانک لتبشر به المتقین و تنذر به قوما لدا  
۹۸ و کم ءهلکنا قبلهم من قرن هل تحس منهم من ءحد ءو تسمع لهم رکزا  
ترجمه :  
۹۶ - کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند خداوند رحمن محبت آنها را در دلها می افکند.  
۹۷ - ما قرآن را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزکاران را بوسیله آن بشارت دهی و دشمنان سرسخت را انذار کنی.  
۹۸ - چه بسیار اقوام (بیایمان و گنهکاری) را قبل از آنها هلاک کردیم آیا احدی از آنها را احساس می کنی یا کمترین صدائی از آنان می شنوی.

تفسیر:

ایمان سرچشمه محبوبیت!

در سه آیه فوق که پایانگر سوره مریم است باز هم سخن از مؤمنان باایمان و نیز ظالمان و ستمگران بیایمان، و سخن از قرآن و بشارتها و انذارهای آنست، و در حقیقت عصارهای است از بحثهای پیشین بانکته های تازه.  
نخست میفرماید: «کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند خداوند رحمان محبت آنان را در دلها می افکند» (ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا).

بعضی از مفسران این آیه را مخصوص امیر مؤمنان علی ( علیه السلام ) و بعضی شامل همه مؤمنان دانسته‌اند.

بعضی گفته‌اند منظور این است که خداوند محبت آنانرا در دل‌های دشمنانشان میافکند، و این محبت رشت‌های می‌شود در گردنشان که آنها را به سوی ایمان میکشاند.

بعضی دیگر آن را به معنی محبت مؤمنان نسبت به یکدیگر که باعث قدرت و قوت و وحدت کلمه می‌شود دانسته‌اند.

بعضی آن را اشاره به دوستی مومنان نسبت به یکدیگر در آخرت دانسته، و میگویند آنها آنچنان به یکدیگر علاقه پیدا میکنند که از دیدار هم برترین شادی و سرور به آنان دست می‌دهد.

ولی اگر با وسعت نظر به مفاهیم وسیع آیه بیندیشیم خواهیم دید که همه این تفسیرها در مفهوم آیه جمع است بی آنکه با هم تضادی داشته باشند.

و نکته اصلی آن این است که: «ایمان و عمل صالح» جاذبه و کشش فوق العاده‌ای دارد، اعتقاد به یگانگی خدا و دعوت پیامبران که بازتابش در روح و فکر و گفتار و کردار انسان به صورت اخلاق عالی‌انسانی، تقوا و پاکی و درستی

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۴۵

و امانت و شجاعت و ایثار و گذشت، تجلی کند، همچون نیروهای عظیم مغناطیس کشیده و رباینده است.

حتی افراد ناپاک و آلوده از پاکان لذت می‌برند، و از ناپاکی همچون خود متنفرند، به همین دلیل هنگامی که فی المثل می‌خواهند همسر یا شریکی انتخاب کنند تاکید دارند که طرف آنها پاک و نجیب و امین و درستکار باشد. این طبیعی است و در حقیقت نخستین پاداشی است که خدا به مؤمنان و صالحان می‌دهد که دامنه‌اش از دنیا به سرای دیگر نیز کشیده می‌شود.

با چشم خود بسیار دیدهایم اینگونه افراد پاک هنگامی که چشم از جهان می‌بندند، دیده‌ها برای آنها گریان می‌شود، هر چند ظاهراً پست و مقام اجتماعی نداشته باشند، همه مردم جای آنها را خالی می‌بینند، همه خود را در عزای آنها شریک محسوب می‌دارند.

اما اینکه بعضی آن را در باره امیر مؤمنان علی ( علیه السلام ) دانسته و در روایات بسیاری به آن اشاره شده بدون شک درجه عالی و مرحله بالای آن،

ویژه آن امام مستقین است، (و در نکته‌ها از این روایات مشروحاً بحث خواهیم کرد) ولی این مانع از آن نخواهد بود که در مراحل دیگر همه مؤمنان و صالحان از طعم این محبت و محبوبیت در افکار عمومی بچشند، و از این مودت الهی سهمی ببرند، و نیز مانع از آن نخواهد بود که دشمنان نیز در دل خود احساس محبت و احترام نسبت به آنها کنند.

جالب اینکه در حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) میخوانیم: ان الله اذا احب عبدا دعا جبرئیل، فقال يا جبرئیل انی احب فلانا فاحبه، قال فیحبه جبرئیل ثم ینادی فی اهل السماء ان الله یحب فلانا فاحبوه، قال فیحبه اهل السماء ثم یوضع له القبول فی الارض! و ان الله اذا ابغض عبدا دعا جبرئیل، فقال یا جبرئیل انی ابغض فلانا فابغضه، قال فیبغضه جبرئیل، ثم ینادی فی اهل السماء ان الله یبغض فلانا

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۴۶

فابغضوه، قال فیبغضه اهل السماء ثم یوضع له البغضاء فی الارض! «هنگامی که خداوند کسی از بندگانش را دوست دارد به فرشته بزرگش جبرئیل می‌گوید من فلانکس را دوست دارم او را دوست بدار، جبرئیل او را دوست خواهد داشت، سپس در آسمانها ندا می‌دهد که ای اهل آسمان! خداوند فلانکس را دوست دارد او را دوست دارید، و به دنبال آن همه اهل آسمان او را دوست میدارند، سپس پذیرش این محبت در زمین منعکس می‌شود. و هنگامی که خداوند کسی را دشمن بدارد به جبرئیل می‌گوید من از او متنفرم، او را دشمن بدار، جبرئیل او را دشمن میدارد، سپس در میان اهل آسمانها ندا می‌دهد که خداوند از او متنفر است او را دشمن دارید، همه اهل آسمانها از او متنفر میشوند، سپس انعکاس این تنفر در زمین خواهد بود. این حدیث پر معنی نشان می‌دهد که ایمان و عمل صالح بازتابی دارد به وسعت عالم هستی، و شعاع محبوبیت حاصل از آن تمام پهنه آفرینش را فرا میگیرد، ذات پاک خداوند چنین کسانی را دوست دارد، نزد همه اهل آسمان محبوبند، و این محبت در قلوب انسانهایی که در زمین هستند پرتوافکن می‌شود. راستی چه لذتی از این بالاتر که انسان احساس کند محبوب همه پاکان و نیکان عالم هستی است؟ و چه دردناک است که انسان احساس کند زمین و آسمان فرشته‌ها و انسانهای با ایمان همه از او متنفر و بیزارند. سپس به «قرآن» که سرچشمه پرورش ایمان و عمل صالح است اشاره کرده

می‌گوید ما قرآن را بر زبان تو آسان ساختیم، تا پرهیزگاران را بوسیله آن بشارت دهی، و دشمنان سرسخت و لجوج را انداز کنی» (فانما یسرناه بلسانک)

---

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۴۷

لتبشر به المتقین و تنذر به قوما لدا).  
«لد» (با ضم لام و تشدید دال) جمع «الد» (بر وزن عدد) به معنی دشمنی است که خصومت شدید دارد، و به کسانی گفته می‌شود که در دشمنی کردن متعصب، لجوج و بی‌منطقند.  
آخرین آیه به عنوان دلداری به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مؤمنان (مخصوصا با توجه به این نکته که این سوره در مکه نازل شده و در آن روز مسلمانان، سخت تحت فشار بودند) و نیز به عنوان تهدید و هشدار به همه دشمنان عنود و لجوج می‌گوید: چه بسیار اقوام بیایمان و گنهکاری را که قبل از اینها هلاک و نابود کردیم آنچنان محو و نابود شدند که اثری از آنها باقی نماند، آیا تو ای پیامبر! احدی از آنها را احساس میکنی؟ یا کمترین صدائی از آنان میشنوی؟ (و کم اهلکنا قبلهم من قرن هل تحس منهم من احد او تسمع لهم رکزا).  
«رکز» به معنی صدای آهسته است، و به چیزهائی که در زیر زمین پنهان میکنند «رکاز» گفته می‌شود، یعنی این اقوام ستمگر و دشمنان سرسخت حق و حقیقت آنچنان درهم کوبیده شدند که حتی صدای آهسته‌های از آنان به گوش نمی‌رسد.

نکته‌ها:

۱- محبت علی (علیه السلام) در دل‌های مؤمنان

در بسیاری از کتب حدیث و تفسیر اهل تسنن (علاوه بر شیعه) روایات متعددی در شان نزول آیه (ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که نشان می‌دهد نخستین بار این آیه در مورد علی (علیه السلام) نازل گردیده است، از جمله «علامه زمخشری» در کشاف و «سبط ابن الجوزی» در تذکره و «گنجی شافعی» و «قرطبی» در تفسیر



مشهورش و «محب الدین طبری» در ذخائر العقبی و «نیشابوری» در تفسیر معروف خود، و «ابن صباغ مالکی» در فصول المهمه و «سیوطی» در در المنثور و «هیشمی» در صواعق المحرقة، و «آلوسی» در روح المعانی را میتوان نام برد از جمله:

۱ - ثعلبی در تفسیر خود از «براء بن عازب» چنین نقل می کند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام) فرمود: قل اللهم اجعل لی عندک عهداً، و اجعل لی فی قلوب المؤمنین مودة، فانزل الله تعالى: ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا: «بگو خداوند! برای من عهده‌ی نزد خودت قرار ده، و در دل‌های مؤمنان مودت مرا بیفکن، در این هنگام، آیه ان الذين آمنوا... نازل گردید».

عین همین عبارت یا با کمی اختلاف در بسیاری از کتب دیگر آمده است.  
۲ - در بسیاری از کتب اسلامی این معنی از ابن عباس نقل شده که می گوید: نزلت فی علی بن ابی طالب ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا قال محبة فی قلوب المؤمنین، یعنی: آیه ان الذين آمنوا... در باره علی بن ابی طالب (علیه السلام) نازل گردیده، و معنی آن این است خدا محبت او را در دل‌های مؤمنان قرار می دهد».

۳ - در کتاب «صواعق» از محمد بن حنفیه در تفسیر این آیه چنین نقل می کند: لا یبقی مؤمن الا و فی قلبه ود لعلی و لاهلبیته: «هیچ فرد باایمانی پیدا نمی شود مگر اینکه در درون قلبش، محبت علی و خاندان او است».

۴ - شاید به همین دلیل در روایت صحیح و معتبر از خود امیر مؤمنان علی (علیه السلام) چنین نقل شده: لو ضربت خیشوم المؤمن بسیفی هذا علی ان یبغضنی ما ابغضنی و لو صببت الدنیا بجماتها علی المنافق علی ان یحبنی ما احبنی و ذلک انه قضی فانقضی علی لسان النبی الامی انه قال لا یبغضک مؤمن و لا یحبک منافق: «اگر با این شمشیرم بر بینی مؤمن بزنم که مرا دشمن دارد هرگز

---

#### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۴۹

دشمن نخواهد داشت، و اگر تمام دنیا (و نعمتهایش) را در کام منافق فرو ریزم که مرا دوست دارد، دوست نخواهد داشت، این به خاطر آنست که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به صورت یک حکم قاطع به من فرموده است: ای علی! هیچ مؤمنی تو را دشمن نخواهد داشت و هیچ منافقی محبت تو را در دل



نخواهد گرفت!))

۵ - در حدیثی از امام صادق ( علیه السلام ) میخوانیم: که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در آخر نماز خود با صدای بلند به طوری که مردم میشنیدند در حق امیر مؤمنان علی ( علیه السلام ) چنین دعا میکرد: اللهم هب لعلی المودة فی صدور المؤمنین، و الهیبة و العظمة فی صدور المنافقین فانزل الله ان الذین آمنوا... ((خداوند! محبت علی ( علیه السلام ) را در دلهای مؤمنان بیفکن، و همچنین هیبت و عظمت او را در دلهای منافقان، در این هنگام آیه فوق و آیه بعد از آن نازل شد)).

به هر حال همانگونه که در تفسیر آیات فوق گفتیم، نزول این آیه در مورد علی ( علیه السلام ) به عنوان یک نمونه اتم و اکمل است و مانع از تعمیم مفهوم آن در مورد همه مؤمنان با سلسله مراتب، نخواهد بود.

## ۲ - تفسیر جمله یسرناه بلسانک))

((یسرناه)) از ماده ((تیسیر)) به معنی تسهیل است، خداوند در این جمله میفرماید: ((ما قرآن را بر زبان تو آسان کردیم تا پرهیزکاران را بشارت دهی و دشمنان سرسخت را انداز کنی این تسهیل ممکن است از جهات مختلف بوده باشد:

- ۱ - از این نظر که قرآن، عربی فصیح و روانی است که آهنگ آن در گوشه‌ها دلانگیز، و تلاوت آن بر زبانها آسان است.
- ۲ - از نظر اینکه خداوند آنچنان تسلطی به پیامبرش بر آیات قرآن، داده بود که به آسانی و در همه جا و برای حل هر مشکل، از آن استفاده میکرد و پیوسته

---

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۵۰

بر مؤمنان تلاوت مینمود.

- ۳ - از نظر محتوا که در عین عمیق و پرمایه بودن درک آن سهل و ساده و آسان است، اصولاً آنهمه حقایق بزرگ و برجسته که در قالب این الفاظ محدود با سهولت درک معانی ریخته شده، خود نشانهای است از آنچه در آیه فوق میخوانیم که بر اثر یک امداد الهی، صورت گرفته است.
- در سوره قمر در آیات متعدد این جمله تکرار شده است و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر: ((ما قرآن را برای تذکر و یادآوری آسان کردیم آیا پندگیرندهای هست)).
- پروردگارا! قلب ما را به نور ایمان، و تمام وجود ما را به نور عمل صالح روشن

فرما، ما را دوستدار مؤمنان و صالحان، مخصوصا امام المتقین امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بدار، و محبت ما را نیز در دل‌های همه مؤمنان بیفکن. بار الهی! جامعه بزرگ اسلامی ما که با داشتن این همه نفرات و امکانات وسیع مادی و معنوی در چنگال دشمنان گرفتار، و به خاطر پراکندگی و تفرقه صفوف، ضعیف و ناتوان شده است در گرد مشعل ایمان و عمل صالح جمع بفرما.

خداوندا همانگونه که گردنکشان و جباران پیشین را چنان هلاک و محو و نابود کردی که کوچکترین صدائی از آنها به گوش نمی‌رسد، ابرقدرتهای جبار زمان ما را نیز نابود کن، شر آنها را از سر مستضعفان کوتاه فرما و قیام مؤمنان را بر ضد این مستکبران به پیروزی نهائی برسان.

آمین یا رب العالمین

پایان سوره مریم جمعه ۲۳ بهمن ۱۳۶۰ ۱۷ ع ۱۴۰۲۲

---

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۵۱

سوره طه

مقدمه

این سوره در مکه نازل شده و ۱۳۵ آیه است جزء ۱۶ قرآن مجید

---

تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۵۲

فضیلت سوره طه

روایات متعددی در باره عظمت و اهمیت این سوره در منابع اسلامی وارد شده است.

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) میخوانیم خداوند سوره طه ویس را قبل از آفرینش آدم به دو هزار سال برای فرشتگان بازگو کرده هنگامی که فرشتگان این بخش از قرآن را شنیدند گفتند: طوبی لامة ينزل هذا علیها، و طوبی لاجواف تحمل هذا، و طوبی لالسن تکلم بهذا: «خوشا به حال امتی که این سوره‌ها بر آنها نازل می‌گردد، خوشا به دل‌هایی که این آیات را در خود پذیرا می‌شود، و خوشا به زبان‌هایی که این آیات بر آن جاری می‌گردد».

در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) میخوانیم: لا تدعوا قراءة سورة طه، فان الله يحبها و يحب من قراءها، و من اذمن قرائتها اعطاه الله يوم القيامة

کتابه بیمینه، و لم يحاسبه بما عمل في الاسلام، واعطى في الاخرة من الاجر حتى يرضى:

«تلاوت سوره طه را ترك نکنید، چرا که خدا آن را دوست میدارد و دوست میدارد کسانی را که آن را تلاوت کنند، هر کس تلاوت آنرا ادامه دهد خداوند در روز قیامت نامه اعمالش را به دست راستش میسپارد و بدون حساب به بهشت می رود، و در آخرت آنقدر پاداش به او می دهد که راضی شود». در حدیث دیگری از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) میخوانیم: من قراءها اعطى يوم

---

### تفسیر نمونه جلد ۱۳ صفحه ۱۵۳

القیامة ثواب المهاجرین و الانصار: «هر کس آنرا بخواند در روز رستاخیز ثواب مهاجران و انصار نصیبش خواهد شد» باز لازم میدانیم این حقیقت را تکرار کنیم که این همه پاداشهای عظیم که برای تلاوت سوره های قرآن از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) وائمه (علیهما السلام) به ما رسیده، هرگز مفهومی این نیست که تنها باتلاوت، این همه نتیجه، عائد انسان می شود، بلکه منظور تلاوتی است که مقدمه اندیشه باشد اندیشه های که آثارش در تمام اعمال و گفتار انسان متجلی شود، و اگر محتوای اجمالی این سوره را در نظر بگیریم خواهیم دید که روایات فوق تناسب کاملی با محتوای این سوره دارد.

### محتوای سوره

«سوره طه» به گفته همه مفسران در مکه نازل شده است، محتوای آن نیز همانند سایر سوره های مکی است که بیشتر سخن از «مبدء» و «معاد» می گوید، و نتایج توحید و بدبختیهای شرک را برمی شمرد. در بخش اول: این سوره اشاره کوتاهی به عظمت قرآن و بخشی از صفات جلال و جمال پروردگار است.

بخش دوم: که بیش از هشتاد آیه را در برمیگیرد از داستان موسی (علیه السلام) سخن می گوید، از آن زمان که به نبوت مبعوث گردید و سپس با فرعون جبار به مبارزه برخاست، و پس از درگیریهای فراوان او با دستگاه فرعونیان و مبارزه با ساحران و ایمان آوردن آنها خداوند به صورت اعجازآمیز فرعون و فرعونیان را در دریا غرق کرد، و موسی و مومنان را رهائی بخشید. بعد ماجرای گوسالهپرستی بنی اسرائیل و درگیری هارون و موسی را با

آنها بیان می کند.  
در سومین بخش: بخشهایی در باره معاد و قسمتی از خصوصیات رستاخیز آمده است.  
در بخش چهارم: سخن از قرآن و عظمت آن است.  
و در بخش پنجم: سرگذشت آدم و حوا را در بهشت و سپس ماجرای وسوسه ابلیس و سرانجام هبوط آنها را در زمین، توصیف می کند.  
و بالاخره در آخرین قسمت، نصیحت و اندرزهای بیدار کنندهای، برای همه مؤمنان بیان میدارد که روی سخن در بسیاری از آن به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) است.

سورة طه

آیه ۱ - ۸

آیه و ترجمه

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ طه

۲ ما انزلنا عليك القرآن لتشقى

۳ الا تذكرة لمن يخشى

۴ تنزيلا ممن خلق الارض و السموت العلى

۵ الرحمن على العرش استوى

۶ له ما فى السموت و ما فى الارض و ما بينهما و ما تحت الثرى

۷ و ان تجهر بالقول فانه يعلم السر و اءخفى

۸ الله لا اله الا هو له الاسماء الحسنى

ترجمه :

بسم الله الرحمن الرحيم بنام خداوند بخشنده بخشایشگر

۱ - طه.

۲ - ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی.

۳ - فقط آنرا برای یادآوری کسانی که (از خدا) میترسند نازل ساختیم. ۴ - این

قرآن از سوی کسی نازل شده که خالق زمین و آسمانهای بلند

- ۵ - او خداوندی است رحمن که بر عرش مسلط است.
- ۶ - از آن اوست آنچه در آسمانها و زمین و میان این دو و در اعماق زمین وجود دارد.
- ۷ - اگر سخن آشکارا بگوئی (یا مخفی کنی) او پنهانیها و حتی پنهانتر از آنرا نیز میداند!
- ۸ - او خداوندی است که معبودی جز او نیست و برای او نامهای نیک است.

### شان نزول:

روایات فراوانی در شان نزول نخستین آیات فوق آمده که از مجموع آنها استفاده می شود، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بعد از نزول وحی و قرآن، عبادت بسیار میکرد، مخصوصاً ایستاده به عبادت مشغول میشد آنقدر که پاهای او متورم گردید، گاه برای آنکه بتواند به عبادت خود ادامه دهد، سنگینی خود را بر یک پا قرار میداد، و گاه بر پای دیگر، گاه بر پاشنه پا میایستاد و گاه بر انگشتان پا.

